

متن پرسش

سلام علیکم: شما در شرح تفسیر سوره‌ی حمد امام خمینی (ره) در صوت دوم می‌یابید و اثبات می‌کنید که ممکن نسبتش با وجود و عدم مساوی است برای همین احتیاج دارد تا عاملی او را از تساوی خارج کرده و به ممکن وجود دهد. و نتیجه می‌گیرید که این واجب است که در صحنه است. سوال من این است که چرا شما از امکان ذاتی ماهوی که نظر مشا است استفاده می‌کنید؟ چرا از فقر ذاتی معلول استفاده نمی‌کنید؟ شما پیرو مشا هستید یا ملاصدرا؟ همیشه که در یکجا از مشا استفاده کنید و در جای دیگر از حکمت متعالیه. وقتی نظرات ملاصدرا را قبول دارید، چرا سراغ مشاء می‌روید؟ با تشکر!

متن پاسخ

باسمه تعالی: سلام علیکم: بحث «امکان ذاتی» برای ممکن‌الوجود، موضوع بسیار ارزشمندی است که همه متفکران حتی جناب ابن عربی متوجه آن است. اتفاقاً این نکته یکی از ارکان فلسفه اسلامی است که فلسفه یونان بویی هم از آن نبرده است و موضوعی است کاملاً عقلانی. و البته فقر ذاتی معلول در دستگاه «اصالت وجود» ظرایف خود را دارد. موفق باشید